

باب کنز (۱)

www.ketab.ir

سرشناسه	:	دولت‌آبادی، حسن، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	:	باب کنز (۱)/حسن دولت‌آبادی.
مشخصات نشر	:	گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	:	۹۸ص.
شابک	:	978-622-02-2470-9
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	خدا — اثبات Proof — God خدا (اسلام) — اثبات — جنبه‌های قرآنی God (Islam) -- Proof -- Qur'anic aspects
رده بندی کنگره	:	BT۱۰۲
رده بندی دیویی	:	۲۱۲/۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۰۲۰۲۱۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیا

باب کنز (۱)

■ مؤلف: حسن دولت‌آبادی (امیرها)

طراح جلد: سید حسن حسینی دولت‌آبادی

■ تیراژ: ۱۰۰۰ ■ نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان ■ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۲-۲۴۷۰-۹

تمامی حقوق برای مؤلف محفوظ بوده،

و کپی از آنها به هر شکلی (دیجیتالی، صوتی، تلخیص و...) ممنوعیت شرعی و قانونی دارد

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار.....
۵	فصل اول - چرا خدا باور / خدا پرست باشیم؟.....
۱۵	الف (برهان مزه:)
۱۶	بدن ما در ابتدا به کدام مزه تمایل بیشتری دارد؟.....
۱۹	(۱) چرا برخی به سمت ترش مزه‌ای یا شور مزه‌ای یا شیرین مزه‌ای رفته‌اند؟.....
۲۰	(۲) چرا رفتن به سمت شیرین مزگی باعث خدا باوری / خدا پرستی می‌شود؟.....
۳۲	(۳) حس پرستش و خدا باوری از ابتدا در وجود بشر بوده یا در تکامل بدست آمده؟.....
۳۶	(۴) آیا خدا وجود دارد؟.....
۳۸	ب) برهان خیال:.....
۴۵	فصل دوم - چگونه به شناخت خدا برسیم؟.....
۴۹	چرا در ابتدا دنبال خدا نباشیم؟.....
۵۰	پس دنبال چی باشیم؟.....
۵۱	به چه جهتی از درون برویم؟.....
۵۱	چگونه می‌توان به انسان درونمان برسیم؟.....
۵۳	چگونه خدا را بشناسیم؟.....
۵۹	به چه سمتی از درون برویم؟.....
۶۵	فصل سوم - نشانه‌ها.....
۶۵	الف (آیا در زمین کسی را جانشین می‌کنی که در آن فساد کنند و خون‌ها بریزند؟.....)
۶۸	ب) چگونه جهان در ۶ روز آفریده شد؟.....
۷۲	ج) آیا تکلیف ما به اندازه توانایی ماست؟.....
۷۷	د) راه شناخت مدعیان و منجی چیست؟.....
۸۳	فصل چهارم - دل نوشته‌ها.....
۸۳	عنصر پنجم.....
۸۴	عشق آیه است به نام عین شین قاف.....

پیشگفتار

از تفاوت‌های بشر با سایر موجودات، می‌توان به قدرت تصمیم‌گیری و اراده، اختیار، درک و شناخت، علاقه به آگاهی و دانستن اشاره کرد. بارزترین این تفاوت‌ها مربوط به درک مسائل ناشناخته است، چراکه بشر همیشه به دنبال علت چستی‌ها بوده و هست و این علاقه در همه افراد مشاهده می‌شود.

بشر از دیرباز وقتی شگفتی‌های پیرامون خویش را می‌بیند به جستجوی علت آن‌ها می‌پردازد و به عبارتی می‌توان گفت به دنبال «آگاهی» بودن در ضمیر ناخودآگاه هر فردی وجود دارد که از آن به‌عنوان حس حقیقت‌جویی یاد می‌شود. این حس حقیقت‌جویی در افراد به‌گونه‌ای است که او زنجیره‌ی علت‌ها را تا سرمنشأ رصد می‌کند و فطراً می‌داند که این زنجیره نمی‌تواند بدون علت نهایی باشد؛ یعنی قطعاً یک سرمنشأ در انتهای علت‌ها وجود دارد که خودش بی‌نیاز از علت‌ها است. به‌طور مثال وقتی انسان در طبیعت رودی را می‌بیند از خود سؤال می‌کند آب این رود از کجاست؟ به دنبال سرمنشأ آن، مسیر رود را طی می‌کند و در انتهای رود به چشمه‌ای می‌رسد. باز از خود می‌پرسد آب چشمه از کجاست؟ با دقت و بررسی، منشأ چشمه را ذخایر زیرزمینی می‌یابد و باز از خود می‌پرسد این آب از کجا آمده است؟ با جست‌وجو متوجه می‌شود که ذخایر آب زیرزمینی از آب باران ناشی شده است و باز از خود می‌پرسد آب باران از کجاست؟ با تفحص و جست‌وجو، ابر را علت وجود باران می‌یابد که از تبخیر آب دریا و آب‌های جاری حاصل شده است. باز از خود می‌پرسد آب دریا از کجاست؟ و ... در آخر به این نتیجه می‌رسد که سرمنشأ این چرخه، آب است. باز ذهن پرسشگر بشر از خود می‌پرسد وجود آب از کجاست؟ پس هر فردی به درک حداقل یک مسئله‌ی ناشناخته، میل و گرایش دارد.

روزی بشر به علت همین علاقه به مسائل ناشناخته، برای کشف قاره‌ها و شناخت محیط اقدام کرد و اکنون با امکاناتی پیشرفته و مدرن، دریاها، اقیانوس‌ها،

آسمان‌ها و کرات را درمی‌نوردد. این علاقه به شناخت، دایره‌ی خواست بشر را گسترده کرده است بطوریکه برای رفع نیازهای خود و همچنین پاسخ به این میل خویش، منشأ آثار بسیاری شده و علوم متعددی را پدید آورده است. وقتی به ریشه به وجود آمدن همه‌ی علوم از جمله پزشکی، کشاورزی، بازرگانی، تغذیه، تجارت، صنعت و... نگاه می‌کنیم؛ درمی‌یابیم علت پیدایش همه‌ی آن‌ها این میل و خواست بشر در کشف ناشناخته‌ها می‌باشد. حتی حضور یک حشره‌ی مزاحم بهانه‌ای است تا ما را وادار به شناخت سیستم حیات آن و کشف راهی برای رفع این مزاحمت نماید. لذا می‌فهمیم این همه ترقی در علوم علاوه بر پاسخگویی به نیاز، ریشه در میل او به کشف ناشناخته‌ها دارد.

مهم‌ترین مسئله‌ای که بشر به دنبال درک و شناخت آن می‌باشد، مسئله‌ی جهان هستی و چگونگی شکل‌گیری آن است و مهم‌تر از آن، یافتن پاسخ این سؤال است که خالق این هستی کیست و یا چیست؟ خالق‌ی که از آن به نام «خدا» و یا هستی یا طراح هوشمند یاد می‌شود و تنها ناشناخته‌ای است که در تمام افراد به صورت یک سؤال مشترک وجود دارد. کسانی که ادعای بی‌خدایی می‌کنند نیز در درون خود حس حقیقت‌جویی دارند اما بنا به دلایلی به وجود منشأ هستی (خدا) نرسیده‌اند و قائل به بی‌خدایی یا ندانم‌گرایی شده‌اند این نشان می‌دهد که آن‌ها نیز به دنبال درک ناشناخته‌ها هستند ولیکن در این مسیر به وجود خدا قائل نشده‌اند در صورتی که به وجود هستی (یا هر تعریف دیگری) قائل هستند.

بنابراین بشر زمانی به آرامش می‌رسد که پاسخی برای سؤالات خود پیدا کند و مادامی که چراها، چوها، چگونه‌ها و... مطرح است، او همچنان ناآرام است. چراکه حس حقیقت‌جویی خود را ارضاء نکرده است و تا زمانی که این تشنگی رفع نشود او همیشه در تب‌وتاب می‌باشد.

میل به آگاهی درباره خدا (یا منشأ هستی) عاملی شده است تا افراد زیادی به خداباوری و خداپرستی (با گرایشات فکری و اعتقادی مختلف) روی آورند و بدین‌وسیله بتوانند به شناختی از خدا (یا منشأ هستی) برسند؛ همین موضوع،

دلیل اصلی پیدایش ادیان و مذاهب زیادی بوده و هست به طوری که هر چند وقت مذاهب و فرقه‌های جدیدی ظهور می‌کنند و بعضاً فراگیر می‌شوند. پس می‌توان نتیجه گرفت که علت گرایش افراد به ادیان و مذاهب، همان حس حقیقت‌جویی آن‌ها می‌باشد.

عده‌ای هم بخاطر اینکه نتوانستند علل خداباوران را قبول نمایند؛ شروع به پرستشگری نمودند و خواستن از طریق علمی به وجود خدا پی ببرند که با اکتشافات علمی به جای اینکه به خدا نزدیک‌تر بشوند از او دورتر شدند و رو به بی‌خدایی یا همان خدا ناباوری آوردند. چراکه ادله‌ی خداباوران را با نظرات علمی جدید بدست آمده صحیح نمی‌دانستند.

از اینرو در این نوشتار سعی شده تا به ادله خداباوران مانند براهین نظم، حدوث و غیره اشاره نشود چراکه خدا ناباوران/ ندانم‌گرایان به دنبال علل مادی و طبیعت می‌باشند و تا زمانی که دلیل مادی آورده نشود به هر دلیلی نمی‌خواهند قبول نمایند که خدا وجود دارد. لذا در بخش اول سعی شده است تا با رویکرد مادی‌گراانه و طبیعت، برهانی به نام برهان مزه و برهان خیال را ارائه شود تا ثابت گردد که حس پرستش و خدا باوری نه تنها در ما وجود دارد بلکه از ابتدای پیدایش بشر و جهان در ما بوده است و از این طریق، وجود خدا نیز ثابت گردد. سپس در بخش دوم به چگونگی راه شناخت خدای متعال می‌پردازد و در بخش سوم به نشانه‌هایی اشاره می‌شود تا بدین وسیله سطح آگاهی و دانش و همدلی‌مان بالا رود و در بخش چهارم با دلنوشته‌هایی مطالب خود را به پایان می‌رسانیم.

امیرها